

آموزش تحلیل تکنیکال صفر تا صد رایگان

تحلیل تکنیکال یکی از روش‌های تحلیلی بازار سرمایه است که امروزه طرفداران زیادی دارد. در این روش می‌توان رفتار قیمت و رفتار کلی بازار را با بررسی داده‌های گذشته مانند قیمت، تغییرات آن، حجم معاملات و... پیش‌بینی کرد. [آموزش تحلیل تکنیکال](#) می‌تواند فرصت‌های معاملاتی زیادی را پیش روی شما قرار می‌دهد که با بهره‌گیری از آنها می‌توانید سودهای قابل توجهی کسب کرده و سرمایه خود را افزایش دهید.

تحلیل تکنیکال چیست؟

تحلیل تکنیکال یکی از روش‌های تحلیل بازارهای مالی است که با بررسی گذشته قیمت و حجم معاملات بازار، روند آتی بازار را پیش‌بینی می‌کند. این روش یکی از پرکاربردترین روش‌های تحلیل بازارهای مالی است؛ زیرا یادگیری آن نسبت به سایر روش‌های تحلیلی، راحت‌تر است. همچنین به کارگیری این روش نسبت به روش‌های تحلیلی دیگر نیازمند صرف زمان کمتری است.

یادگیری تحلیل تکنیکال چه تاثیری بر عملکرد معاملاتی دارد؟

بازارهای مالی به ویژه بازار بورس، از ریسک بسیار بالایی برخوردار هستند؛ لذا عدم آگاهی از روش‌های تحلیلی می‌تواند منجر به خسارات مالی جبران‌ناپذیری برای سرمایه‌گذاران شود. تحلیل تکنیکال کلیدی است که به کمک آن می‌توانید با نگاهی دقیق‌تر به رفتار بازار و تغییرات قیمت، زمان مناسب برای خرید و فروش را پیدا کنید و با خیالی آسوده به معاملات خود ادامه دهید. برای یادگیری عمیق این موضوع پیشنهاد ما شرکت در [دوره تحلیل تکنیکال](#) آکادمی ره‌آورد است.

فلسفه تحلیل تکنیکال

به طور کلی دانش تکنیکال به دنبال پیش‌بینی روند آینده بازار با استفاده از بررسی گذشته نمودار قیمت می‌باشد. کلیه مباحث این حوزه مبتنی بر سه اصل زیر می‌باشد:

1. کلیه اطلاعات مربوط به بازار در نمودار قیمت لحاظ می‌شود.

یکی از انتقادهای وارد به تحلیل تکنیکال این است که تحلیلگران تکنیکال تنها نمودار قیمت را در نظر می‌گیرند و به سایر عوامل مانند اقتصاد کلان، روانشناسی بازار و... که می‌تواند بر روند بازار تاثیرگذار باشد، توجهی ندارد.

2. قیمت‌ها بر اساس روندهای مشخصی حرکت می‌کنند.

تحلیلگران تکنیکال معتقدند که در صورت شکل گرفتن یک روند مشخص در بازار، قیمت از آن پیروی خواهد کرد و در جهت همان روند حرکت می‌کند؛ مگر اینکه روند جدیدی برای سهم پیدا شود.

3. تاریخ تکرار می‌شود.

یکی از ایده‌های مهم تحلیل تکنیکال، تکرار تاریخ است؛ به این معنا که معامله‌گران در طول دوره‌های مختلف، تمایل دارند نسبت به نوسانات بازار، واکنش مشابهی نشان دهند. این موضوع مرتبط با الگوهای قیمتی است که در ادامه به معرفی آن می‌پردازیم.

تفاوت تحلیل تکنیکال و تحلیل بنیادی

تحلیل بنیادی کلیه داده‌های واقعی مربوط به یک شرکت را مورد بررسی قرار داده و بر اساس آنها، ارزش ذاتی سهام شرکت مذکور را بدست می‌آورد. سپس با مقایسه ارزش ذاتی و ارزش فعلی سهام، در مورد آینده آن تصمیم‌گیری می‌کند. در حالیکه تحلیل تکنیکال بر اساس اطلاعات مربوط به گذشته یک سهم که شامل اطلاعات قیمت و حجم معاملات می‌شود؛ روند آینده سهم را پیش‌بینی می‌کند.

تاریخچه تحلیل تکنیکال

نخستین بار تحلیل تکنیکال حدود 300 سال پیش توسط ژاپنی‌ها و به منظور بررسی قیمت کالاهای اساسی مانند برنج، مورد استفاده قرار گرفت. پس از آن، برخی از مردم سایر کشورها هم از این روش به صورت دستی و غیررسمی، استفاده می‌کردند. به این ترتیب که با رسم نمودار، بازارهای مورد نظر خود را پیش‌بینی می‌کردند. در قرن 19 میلادی، شخصی به نام چارلز داو، توانست اصول و قواعد مشخصی را برای تحلیل تکنیکال تعریف کند. به این ترتیب تحلیل تکنیکال به عنوان یک روش تحلیلی جامع و قابل استناد برای تحلیل بازارهای مالی مانند بورس شناخته شد. با گذشت زمان و پیگیری و مطالعات پیروان داو، دانش تحلیل تکنیکال به شکل تکامل یافته‌ی امروزی درآمده است. امروزه از چارلز هنری داو به عنوان پدر علم تکنیکال یاد می‌کنند.

مزایای تحلیل تکنیکال

از مهم‌ترین مزایای تحلیل تکنیکال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- انعطاف‌پذیری و سازگاری با بازارهای مالی مختلف
- سرعت بالا نسبت به سایر روش‌های تحلیلی
- شناسایی بهترین نقاط برای ورود و خروج
- سهولت در یادگیری و فهم راحت‌تر
- قابلیت استفاده در استراتژی‌هایی با بازه‌های زمانی مختلف

معایب تحلیل تکنیکال

علاوه بر مزایای ذکر شده، تحلیل تکنیکال معایبی هم دارد که از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- عدم کارایی در عرضه اولیه‌ها
- ناتوانی در محاسبه ارزش ذاتی
- تنوع بیش از حد ابزارها و روش‌های تحلیل تکنیکال
- تحلیل متعصبانه و بدون توجه به سایر عوامل تاثیرگذار بر روند بازار

آشنایی با مفاهیم اولیه و ابزارهای تحلیل تکنیکال

در ادامه تلاش می‌کنیم تا شما را با مفاهیم اولیه تحلیل تکنیکال و ابزارهای کاربردی این روش آشنا کنیم.

انواع نمودار قیمت

از نمودارها برای نمایش گرافیکی اطلاعات قیمت در بازه‌های زمانی مختلف استفاده می‌شود. پرکاربردترین نمودارهای قیمت در تحلیل تکنیکال عبارتند از:

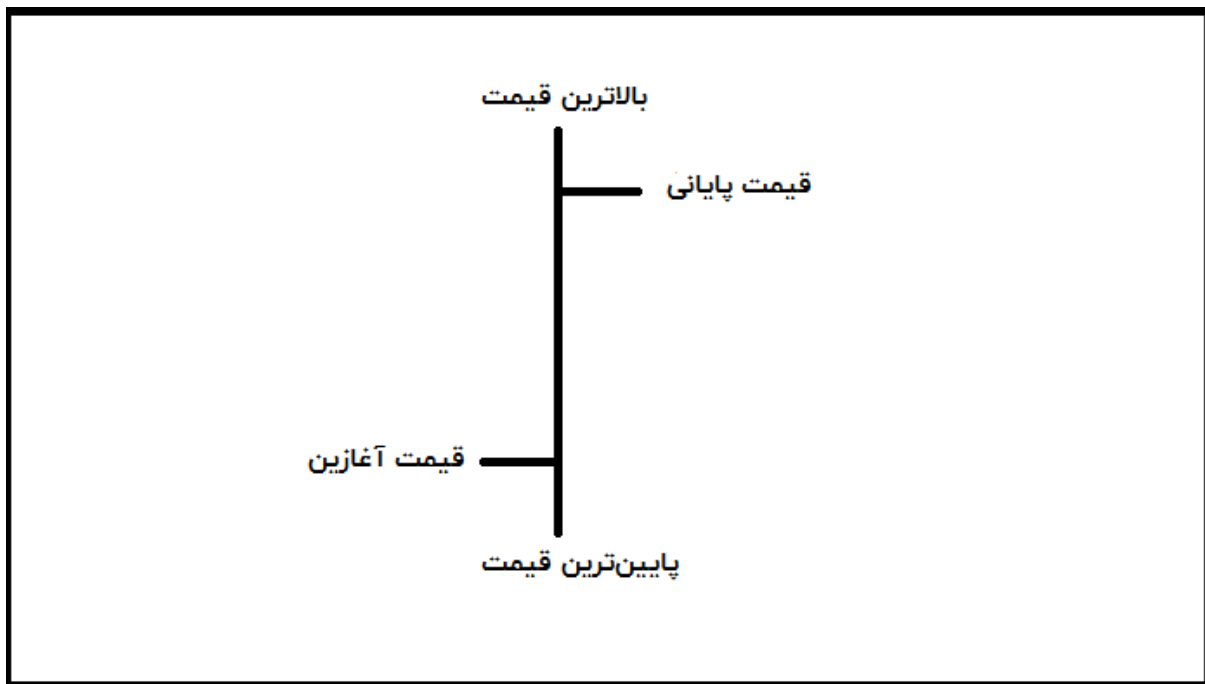
نمودار خطی

نمودار خطی ساده‌ترین نوع نمودار برای نمایش قیمت در بازه‌های زمانی مختلف است. این نمودار قیمت پایانی نماد مورد نظر را در تایم‌فریم مشخص، نمایش می‌دهد.



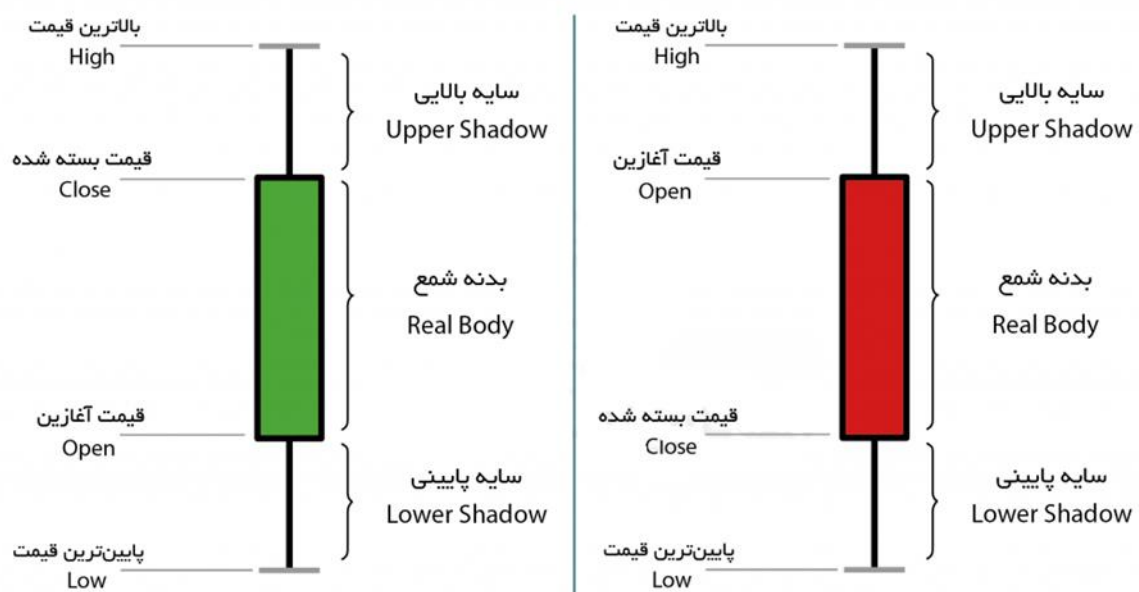
نمودار میله‌ای

نمودارهای میله‌ای بیانگر حرکت قیمت در یک بازه زمانی مشخص است. در این نمودار، قیمت آغازین، قیمت پایانی، بالاترین قیمت و پایین‌ترین قیمت، به شکل میله‌هایی نمایش داده می‌شود.



نمودار کندل استیک

نمودار کندل استیک از مجموعه‌ای کندل تشکیل شده است که در هر کندل قیمت‌های آغازین و پایانی، بالاترین و پایین‌ترین قیمت نمایش داده می‌شود. این کندل‌ها از یک بدنه و دو سایه بالایی و پایینی تشکیل شده است. بدنه بیانگر فاصله قیمت آغازین و پایانی است. در صورتی که قیمت پایانی بالاتر از قیمت آغازین باشد، بدنه کندل به رنگ سبز یا توپر خواهد بود. در صورتی که عکس این مطلب اتفاق بیافتد، بدنه به رنگ قرمز یا توخالی خواهد بود. سایه‌ها در این کندل، بیانگر بالاترین و پایین‌ترین قیمت معاملات هستند.



شما می‌توانید با مراجعه به سایت ره‌آورد 365، نمودار قیمت نماد مورد نظر خود را به صورت هر یک از نمودارهای مذکور، مشاهده کنید.

تایم‌فریم یا بازه زمانی در نمودار چه مفهومی دارد؟

یکی از امکاناتی که سایت ره‌آورد 365 برای شما فراهم می‌کند، مشاهده نمودار قیمت در تایم‌فریم یا بازه‌های زمانی مختلف است. به عنوان مثال شما می‌توانید بر اساس استراتژی معاملاتی خود، نمودار قیمت را در تایم‌فریم ساعت، روزانه یا ماهانه مشاهده کنید. وقتی شما تایم‌فریم یک دقیقه را انتخاب می‌کنید؛ یعنی هر کندل نمایانگر یک دقیقه از معاملات است. به همین ترتیب اگر روی هر بازه زمانی تنظیم کنید؛ هر کندل نشان دهنده آن بازه زمانی از معاملات می‌باشد. در تصویر زیر، گزینه تایم‌فریم سایت ره‌آورد 365، با دایره قرمز نمایش داده شده است.



روندهای قیمتی

به جهتی که کل بازار یا نمودار قیمت یک نماد به سمت آن حرکت می‌کند، روند گفته می‌شود. شناسایی روند یکی از مهم‌ترین مباحث تحلیل تکنیکال است. روندها به کمک ترسیم خط روند یا به کمک سایر ابزارهای تحلیل تکنیکال که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم، قابل تشخیص است. برای رسم خط روند کافیست قله‌ها یا کف‌های قیمتی را به هم وصل کنیم تا جهت روند مشخص شود. روندها می‌توانند صعودی، نزولی یا خنثی باشند. اعتبار خط روند به سه پارامتر زیر زیر بستگی دارد:

- هرچه شیب خط روند به روند کلی (تاریخی) قیمت نزدیکتر باشد، اعتبار خط روند افزایش می‌یابد.

- هر چه زمان حرکت نمودار قیمتی روی خط روند بیشتر باشد اعتبار خط روند بیشتر خواهد بود. به عنوان مثال خط روندی که نمودار به مدت یکسال روی آن حرکت کرده به نسبت خط روندی که نمودار یک ماه روی آن در حال حرکت است؛ از اعتبار بیشتری برخوردار است.
- هرچه تعداد برخورد خط روند با نمودار قیمتی بیشتر باشد، خط روند معتبر تر خواهد بود.



سطوح حمایت و مقاومت

حمایت و مقاومت از کاربردی ترین اصطلاحات تحلیل تکنیکال است. حمایت با وصل کردن کفهای قیمتی و مقاومت با وصل کردن سقفهای قیمتی، به دست می آید. در نزدیکی سطح مقاومت، به دلیل برابر شدن قدرت عرضه و تقاضا، قیمت تمایلی به رشد بیشتر ندارد، سرانجام با غلبه قدرت فروشندگان به خریداران، شاهد اصلاح قیمت خواهیم بود. همچنین در نزدیکی خط حمایت، به دلیل برابری قدرت عرضه و تقاضا، قیمت تمایلی به کاهش نداشته و در نهایت با غلبه خریداران به فروشندگان، رشد قیمت را شاهد خواهیم بود. توجه فرمایید که این سطوح می تواند به صورت داینامیک یا استاتیک تشکیل شود.





کانال‌ها

زمانی که قیمت یک دارایی، بین دو خط حمایت و مقاومت موازی قرار گیرد؛ یک کانال قیمتی تشکیل می‌شود. کانال‌ها بسته به جهت حرکت قیمت می‌توانند صعودی یا نزولی و یا افقی باشند. معمولاً تحلیلگران از کانال‌ها برای تشخیص شکست قیمت استفاده می‌کنند. شکست قیمت زمانی رخ می‌دهد که خط مقاومت یا حمایت کانال توسط نمودار قیمت شکسته شود و قیمت به سمت خارج از کانال حرکت کند.



حجم معاملات در تحلیل تکنیکال

حجم معاملات یک معیار برای سنجش قدرت خریداران و فروشندگان است که می‌تواند تاثیر بسزایی در میزان ریسک معاملات داشته باشد. در واقع معامله‌گران برای سنجش میزان نقدینگی از شاخص حجم معاملات استفاده می‌کنند. سپس به کمک سایر ابزارهای تحلیلی، تصمیم نهایی برای خرید و فروش را اتخاذ می‌کنند. بازارهای رو به رشد با حجم معاملات بالایی همراهی هستند.



به طور کلی حجم معاملات در روندهای صعودی افزایش یافته و در روندهای نزولی رو به کاهش خواهد بود. در صورتی که عکس این مطلب اتفاق افتاد، باید هوشیار باشید؛ زیرا این تناقض نشان‌دهنده تضعیف روند است و امکان رخ دادن یک حرکت معکوس در بازار وجود دارد.

حجم‌ها تاییدکننده روندها هستند؛ لذا در صورتی که حجم معاملات، روند صعودی را تایید کرد، می‌توانید با اطمینان بیشتری برای خرید اقدام کنید. همچنین در صورت تایید روند نزولی توسط حجم معاملات، باید آماده فروش باشید.



حد ضرر و حد سود

حد ضرر و حد سود به معامله‌گران کمک می‌کند تا بهترین نقطه برای خروج را پیدا کنند. همچنین با استفاده از حد سود و ضرر می‌توانید نسبت ریسک به ریوارد معاملات خود را محاسبه کرده و به این ترتیب معاملات خود را اولویت‌بندی کنید.

حد ضرر به عددی گفته می‌شود که توسط معامله‌گر تعیین شده و زمانی که نمودار قیمت این عدد را لمس کرد، بهتر است برای جلوگیری از زیان بیشتر، برای فروش دارای اقدام کنید.

بسیاری از معاملات سودآور پس از مدت مشخصی تغییر روند داده و قیمت‌ها دچار افت می‌شوند. برای اینکه زودتر از افت قیمت‌ها، از معامله خارج شوید، بهتر است عددی را به عنوان حد سود یا قیمت هدف مشخص کنید تا در صورت رسیدن نمودار قیمت به این عدد، قبل از شروع روند نزولی، از معامله خارج شوید.

واگرایی در تحلیل تکنیکال و انواع آن

واگرایی مفهومی در تحلیل تکنیکال است که در زمان بروز رفتاری متناقض از نمودار قیمت و اندیکاتور (یا هر شاخص دیگری مانند حجم)، به وجود می‌آید. به عنوان مثال فرض کنید در یک روند صعودی قرار دارید و قله‌های قیمتی به صورت صعودی تشکیل می‌شوند، اما حجم معاملات در حال کاهش است. در این صورت بین حجم معاملات و نمودار قیمت واگرایی ایجاد شده است. واگرایی در رابطه با اندیکاتورها هم به این صورت اتفاق می‌افتد که جهت حرکت قله‌ها یا کف‌های قیمتی در نمودار قیمت و قله‌ها و کف‌های متناظر در اندیکاتور، مخالف هم باشند؛ یعنی اگر روند تشکیل قله‌ها در نمودار قیمت صعودی است، روند تشکیل قله‌های متناظر در اندیکاتور نزولی خواهد بود و بالعکس. واگرایی نشان‌دهنده تضعیف روند بوده و به تحلیلگران کمک می‌کند تا نقاط حساس قیمت را که احتمال تغییر روند در آنها زیاد است، تشخیص دهند.

واگرایی انواع مختلفی دارد که مهم‌ترین و پرکاربردترین آنها، عبارتند از واگرایی معمولی و واگرایی مخفی.

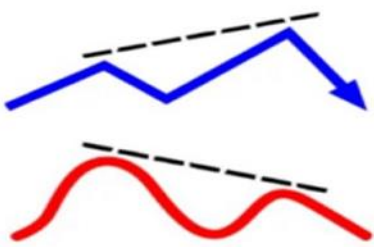
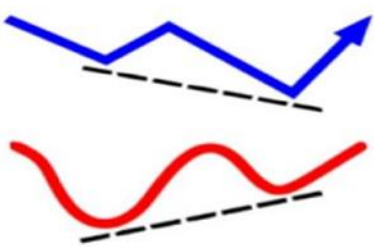
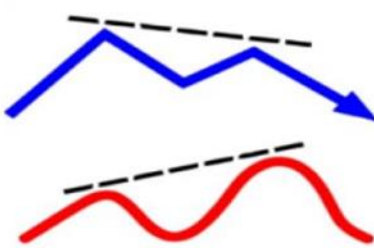
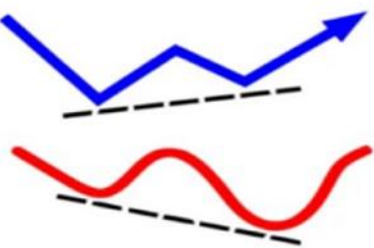
واگرایی معمولی و مخفی هم به دو دسته واگرایی مثبت و منفی تقسیم می‌شوند.

واگرایی مثبت معمولی زمانی رخ می‌دهد که جهت حرکت کف‌های تشکیل شده در نمودار قیمت به سمت پایین باشد اما کف‌های متناظر در اندیکاتور به سمت بالا حرکت کند.

واگرایی منفی معمولی زمانی رخ می‌دهد که جهت حرکت سقف‌های تشکیل شده در نمودار قیمت به سمت بالا باشد اما سقف‌های متناظر در اندیکاتور به سمت پایین حرکت کند.

واگرایی مثبت مخفی زمانی رخ می‌دهد که جهت حرکت کف‌های تشکیل شده در نمودار قیمت به سمت بالا باشد اما کف‌های متناظر در اندیکاتور به سمت پایین حرکت کند.

واگرایی منفی مخفی زمانی رخ می‌دهد که جهت حرکت سقف‌های تشکیل شده در نمودار قیمت به سمت پایین باشد اما سقف‌های متناظر در اندیکاتور به سمت بالا حرکت کند.

انواع واگرایی	منفی	مثبت
واگرایی معمولی		
واگرایی مخفی		

الگوهای قیمتی کلاسیک

الگوهای قیمتی اشکالی هستند که بر اساس رفتار قیمت در بازار تشکیل شده و از گذشته تاکنون شاهد تکرار آن هستیم. معمولاً از الگوهای قیمتی به منظور تشخیص روند بازار استفاده می‌شود.

این الگوها به دو صورت ادامه‌دهنده و بازگشتی وجود دارند. الگوهای ادامه‌دهنده، الگوهایی هستند که معمولا پس از تشکیل آنها، شاهد ادامه روند قبلی بازار هستیم؛ اما الگوهای بازگشتی به الگوهایی گفته می‌شود که اغلب پس از شکل‌گیری آنها، روند بازار تغییر خواهد کرد. در ادامه به صورت مختصر چند مورد از مهم‌ترین الگوهای قیمتی را معرفی می‌کنیم.

الگوی پرچم

الگوی پرچم از جمله الگوهای ادامه‌دهنده است که از دو بخش "میله پرچم" و "بدنه پرچم" تشکیل شده است. از آنجا که الگوی پرچم یک الگوی ادامه‌دهنده است؛ پس از تشکیل الگو و شکست پرچم، انتظار ادامه روند را خواهیم داشت. الگوی پرچم معمولا در روندهای صعودی تشکیل شده و پس از شکست پرچم، انتظار می‌رود روند صعودی ادامه یابد. الگوی پرچم معکوس نیز معمولا در روندهای نزولی تشکیل شده و بیانگر ادامه روند نزولی است.

الگوی مثلث

الگوی مثلث اغلب نوید ادامه روند را می‌دهد اما گاهی ممکن است به صورت الگوی بازگشتی عمل کند. این الگو به سه دسته زیر تقسیم می‌شود:

- مثلث صعودی
- مثلث نزولی
- مثلث متقارن

ضلع بالایی در الگوهای مثلث به عنوان مقاومت و ضلع پایینی به عنوان حمایت عمل می‌کند.

الگوی مثلث کاهشی، از یک خط حمایت افقی و خط مقاومت با شیب منفی تشکیل شده است. این الگو معمولا در روندهای نزولی تشکیل می‌شود و در صورت شکست خط حمایت در آن، روند نزولی ادامه خواهد یافت. در صورتی که الگوی مثلث کاهشی در روندهای صعودی تشکیل شود، به صورت بازگشتی عمل خواهد کرد.

الگوی مثلث افزایشی دقیقا عکس الگوی مثلث کاهشی است؛ یعنی از یک خط مقاومت افقی و یک خط حمایت با شیب مثبت تشکیل شده است. این الگو در روندهای نزولی تشکیل شده و در صورت شکست خط مقاومت در آن، روند صعودی ادامه خواهد یافت. اگر این الگو در روندهای نزولی تشکیل شود، انتظار می‌رود روند نزولی به صعودی تبدیل شود.

الگوی مثلث متقارن از دو خط روند همگرا تشکیل شده که نقش حمایت و مقاومت را ایفا می‌کنند. در مورد شکست الگوی مثلث می‌توان گفت که احتمال شکست از هر دو طرف مثلث وجود

دارد(مانند سایر الگوهای مثلث). بنابراین هم می‌تواند به صورت یک الگوی ادامه‌دهنده عمل کند هم یک الگوی بازگشتی.

الگوی فنجان

الگوی فنجان از جمله الگوهای ادامه‌دهنده است که از یک فنجان و دسته آن تشکیل شده است. این الگو معمولا در روندهای صعودی شکل می‌گیرد و پس از تشکیل آن و شکست دسته، شاهد ادامه روند صعودی خواهیم بود. الگوی فنجان معکوس هم معمولا در روندهای نزولی تشکیل شده و پس از شکست دسته در آن، شاهد ادامه روند نزولی خواهیم بود.

الگوی کنج

الگوی کنج از دو خط روند تشکیل شده که شیب آنها در یک راستا است. این الگو به دو دسته الگوی کنج صعودی و نزولی تقسیم می‌شود. الگوی کنج صعودی و نزولی به ترتیب در روندهای صعودی و نزولی تشکیل می‌شوند و از آنجا که این الگو یک الگوی بازگشتی است؛ معمولا پس از تشکیل آن شاهد تغییر روند خواهیم بود.

الگوی کف و سقف دوقلو(سه قلو)

الگوی کف و سقف دوقلو به ترتیب از دو دره و قله قیمتی تقریباً یکسان تشکیل شده و در دسته الگوهای بازگشتی قرار می‌گیرد. الگوی کف دوقلو معمولا در انتهای روندهای نزولی تشکیل شده و پس از شکل‌گیری آنها شاهد پایان روند نزولی و شروع روند صعودی هستیم. الگوی سقف دو قلو نیز در روندهای صعودی تشکیل می‌شود و با مشاهده این الگو انتظار می‌رود روند تغییر کرده و روند نزولی آغاز شود. الگوی کف و سقف سه قلو مشابه الگوی کف و سقف دوقلو است با این تفاوت که از سه کف یا سقف تشکیل می‌شود.

الگوی سروشانه

الگوی سروشانه یک الگوی بازگشتی است که از سه قله تشکیل شده است. این الگو دارای یک سر و دو شانه چپ و راست بوده و ارتفاع سر از شانه‌ها بیشتر است. این الگو در انتهای روندها شکل می‌گیرد و باعث تغییر روند می‌شود. خطی که دو کف ایجاد شده در ناحیه سروشانه‌ها را به هم وصل می‌کند، خط گردن نام دارد. پس از شکست خط گردن توسط نمودار قیمت یا پولبک به آن، روند تغییر خواهد کرد؛ یعنی روند نزولی آغاز می‌شود. الگوی سروشانه معکوس هم معمولا در انتهای روندهای نزولی تشکیل شده و نوید پایان روند نزولی و آغاز روند صعودی را می‌دهد.

الگوهای هارمونیک

الگوهای هارمونیک تلفیقی از اشکال هندسی و اعداد فیبوناچی هستند که از آنها برای تشخیص روند آینده بازار به ویژه محل تغییر روند استفاده می‌شود. شکل ظاهری این الگوها معمولا به صورت M و W یا ترکیبی از هر دوی آنها است. الگوهای هارمونیک به دلیل محاسبه نسبت‌های فیبوناچی بین نقاط مهم الگو، بسیار مهم و کاربردی هستند. ساختار کلی الگوهای هارمونیک مشابه هم و به صورت پنج نقطه‌ای است و تنها تفاوت آنها در طول خطوط و نسبت‌های فیبوناچی می‌باشد. تشخیص این الگوها نسبت به الگوهای کلاسیک، سخت‌تر بوده و نیاز به تمرین بیشتری دارد اما در صورت یادگیری، می‌تواند به راحتی روند آینده بازار را پیش‌بینی کرد. از مهم‌ترین الگوهای هارمونیک می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- الگوی ABCD
- الگوی پروانه (Butterfly)
- الگوی خرچنگ (Crab)
- الگوی گارتلی (Gartley)
- الگوی خفاش (Bat)
- و ...

الگوهای کندل استیک

الگوهای کندل استیک یکی از ابزارهای مهم در تحلیل تکنیکال هستند که از کنار هم قرار کندل‌ها ساخته می‌شوند. معمولا تحلیلگران از این الگوها برای درک بهتر جو روانی بازار، تحلیل احتمال تغییر روند و یا اتخاذ یک پوزیشن معاملاتی جدید، استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که الگوهای کندل استیک، اطلاعاتی در رابطه با تخمین قیمت هدف یا حد ضرر به معامله‌گر نمی‌دهند و صرفا از آنها برای تحلیل نقاط و نواحی مهم در نمودار استفاده می‌شود. از این الگوها می‌توان برای معاملات روزانه، نوسان‌گیری یا حتی معاملات بلندمدت استفاده کرد. الگوهای کندل استیک نیز به دو دسته الگوهای ادامه‌دهنده و بازگشتی تقسیم می‌شوند. در ادامه چند مورد از مهم‌ترین الگوهای کندل استیک را نام می‌بریم:

- الگوی مارابوزو (Marubozu Pattern)
- الگوی دوجی (Doji Pattern)
- الگوی مرد دارآویز (Hanging Man Pattern)
- الگوی هارامی (Harami Pattern)
- الگوی پوشا (Engulfing Pattern)
- الگوی چکش (Hammer Pattern)
- الگوی ستاره صبح‌گاهی (Morning Star)

- الگوی فرفره (Spinning Pattern)

- و...

اندیکاتور و اسیلاتورها

اندیکاتور یکی از ابزارهای تحلیل تکنیکال است که داده‌های قیمت و حجم معاملات را بر اساس فرمول‌های خاصی پردازش کرده و خروجی را به صورت یک نمودار نمایش می‌دهد.

اسیلاتور یا نوسان‌ساز، از یک یا چند شاخص نموداری تشکیل شده است که در یک بازه مشخص که دارای حد بالایی و پایینی است، نوسان می‌کند. این ابزار بر اساس نوسانات شاخص یا شاخص‌های مذکور، عددی را در اختیار معامله‌گران قرار می‌دهد که بر اساس آن، شرایط بازار و قدرت حرکت قیمت را ارزیابی کرده و بر اساس آن تصمیمات لازم جهت خرید و فروش را اتخاذ می‌کنند.

از بارزترین تفاوت اندیکاتورها و اسیلاتورها می‌توان به نحوه جای‌گیری آنها اشاره کرد. اندیکاتورها بر روی نمودار قیمت قرار می‌گیرند درحالی‌که اسیلاتورها در پایین نمودار قیمت به صورت مجزا نمایش داده می‌شوند.

در ادامه به چند مورد از اندیکاتورها و اسیلاتورهای مهم اشاره می‌کنیم:

اندیکاتور میانگین متحرک (Moving Average)

اندیکاتور میانگین متحرک، میانگینی از قیمت‌های گذشته را در یک بازه زمانی تعیین شده، بدست می‌آورد و اعداد حاصل را به صورت خطوط منحنی بر روی نمودار قیمت نمایش می‌دهد. این اندیکاتور انواع مختلفی دارد که میانگین متحرک ساده (Simple Moving Average) و میانگین متحرک نمایی (Exponential Moving Average) در بین آنها کاربرد بیشتری دارند. در میانگین متحرک ساده، قیمت‌های در یک دوره زمانی با هم جمع شده و بر تعداد روزهای دوره تقسیم می‌شود. انتقادی وارد به این اندیکاتور این است که تاثیر همه روزهای دوره به یک اندازه است. در حالی که در میانگین متحرک نمایی این مشکل برطرف شده و در محاسبات به قیمت‌های روزهای پایانی دوره، وزن بیشتری داده شده است. یکی از روش‌های کاربردی در استفاده از میانگین متحرک، استفاده از چند میانگین متحرک در بازه‌های زمانی مختلف است. در صورتی که میانگین متحرک کوتاه‌مدت، میانگین متحرک بلندمدت را از پایین به بالا قطع کند، روند صعودی و اگر از بالا به پایین قطع کند، روند نزولی خواهد شد.



اندیکاتور بولینگر باند (Bollinger Band)

اندیکاتور بولینگر باند به صورت یک کانال منحنی شکل است که به کمک محاسباتی مبتنی بر میانگین متحرک و انحراف معیار، بدست می‌آید. این اسیلاتور تنها نواحی که در آنها اشباع خرید یا فروش رخ داده، نشان می‌دهد. نواحی فشردگی در بولینگر باند می‌تواند نقاط مهمی باشند؛ زیرا معمولاً در این نواحی شاهد تغییر روند هستیم. در تصویر زیر نقاط فشردگی با دایره قرمز نمایش داده شده که پس از آنها تغییر روند اتفاق افتاده است.



اسیلاتور RSI (Relative Strength Index)

RSI یا شاخص قدرت نسبی، از مهم‌ترین و رایج‌ترین اسیلاتورها است که به معامله‌گران در تشخیص جهت، قدرت روند و تعیین نقاط بازگشتی نمودار قیمت، کمک می‌کند. اسیلاتور RSI بین محدوده 0 تا 100 نوسان می‌کند و دو ناحیه اشباع خرید و اشباع فروش را نمایش می‌دهد. در واقع ناحیه بین 70 تا 100، اشباع خرید و ناحیه بین 0 تا 30، اشباع فروش در نظر گرفته می‌شود؛ به عبارتی اگر RSI بیشتر از 70 باشد، خرید سهم اشباع شده و احتمال بازگشت روند وجود دارد. از طرفی اگر

RSI به کمتر از 30 برسد، می‌توان گفت اشباع فروش اتفاق افتاده و احتمالاً روند نزولی پایان خواهد یافت. البته نمی‌توان با قطعیت راجع به تغییر روند صحبت کرد و برای اطمینان بیشتر باید از سایر ابزارهای تحلیلی استفاده کرد.



رسم خطوط روند در RSI هم بسیار مهم است و شما می‌توانید از این خطوط برای تشخیص واگرایی و نقاط مهم برای ورود و خروج استفاده کنید. واگرایی زمانی رخ می‌دهد که حرکت قله‌های نمودار قیمت صعودی و روند حرکت قله‌های متناظر در اندیکاتور RSI، نزولی باشد یا بالعکس.



اسیلاتور MACD (Moving Average Convergence Divergence)

MACD یا میانگین متحرک همگرایی و واگرایی یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحلیل تکنیکال است که قابلیت تشخیص جهت و قدرت روند بازار را دارد. این اندیکاتور از خط مکدی، خط سیگنال و نمودار هیستوگرام تشکیل شده است. خط مکدی از تفاوت میانگین‌های متحرک 12 و 26 روزه بدست می‌آید. خط سیگنال نیز میانگین متحرک 9 روزه خط مکدی است. هیستوگرام نمایانگر

تفاوت بین خطوط مکدی و سیگنال می‌باشد. حرکت خط مکدی دنباله‌روی حرکت قیمت است. اگر خط مکدی، خط سیگنال را از پایین به بالا قطع کند، سیگنال خرید و اگر از بالا به پایین قطع کند، سیگنال فروش صادر می‌شود. لازم به ذکر است این تحلیل با قطعیت اتفاق نمی‌افتد و امکان خطا وجود دارد.



در MACD هم رسم خطوط روند حائز اهمیت است و می‌تواند به شما در تشخیص واگرایی بین نمودار قیمت و اسیلاتور MACD کمک کند. به عنوان مثال فرض کنید در نمودار قیمت، قله‌های بالاتر و در مکدی، قله‌های پایین‌تر تشکیل شود؛ یعنی خط روندی که قله‌های نمودار قیمت را به هم وصل می‌کند، صعودی و خط روندی که قله‌های اندیکاتور مکدی را به هم وصل می‌کند، نزولی باشد. در این صورت شاهد یک واگرایی منفی هستیم که منجر به کاهش قیمت خواهد شد.

اسیلاتور استوکستیک (Stochastic)

اسیلاتور استوکستیک یک نوسانگر تصادفی است که قدرت روند را بر اساس قیمت بسته شدن در یک بازه زمانی مشخص نشان می‌دهد. این اندیکاتور از دو خط %K و %D تشکیل شده و بین محدوده 0 تا 100 نوسان می‌کند. ناحیه بین 0 تا 20، ناحیه اشباع فروش و بین 80 تا 100، ناحیه اشباع خرید، در نظر گرفته می‌شود. در استوکستیک، اندازه حرکت نسبت به قیمت، از حساسیت بیشتری برخوردار است. در تصویر زیر نواحی که اشباع خرید یا فروش اتفاق افتاده با دایره قرمز نشان داده شده است. همانطور که می‌بینید در این بازه‌های زمانی شاهد تغییر روند در نمودار قیمت هستیم.



فیبوناچی در تحلیل تکنیکال

ابزارهای فیبوناچی از ابزارهای کاربردی و پرطرفدار در تحلیل تکنیکال است که به کمک آن می‌توان بازگشت یا ادامه روند را تحلیل کرد. در واقع به کمک ابزارهای فیبوناچی می‌توان یک سری از سطوح یا زمان‌های مشخص را پیدا کرد که هیچ الزامی برای حمایت یا مقاومت بودن آنها وجود ندارد و صرفاً به عنوان یک ابزار کمکی در کنار سایر ابزارهای تحلیل تکنیکال از آن استفاده می‌شود. در صورت هم‌پوشانی الگوهای قیمتی و سایر ابزارهای تحلیل تکنیکال با این سطوح، اعتبار سطوح افزایش یافته و می‌توان با اطمینان بیشتری منتظر واکنش بازار بود. در ابزارهای فیبوناچی، توجه به "درصدها" بسیار مهم است. ابزارهای فیبوناچی بسیار متنوع هستند که در ادامه چند مورد از مهم‌ترین آنها را نام می‌بریم.

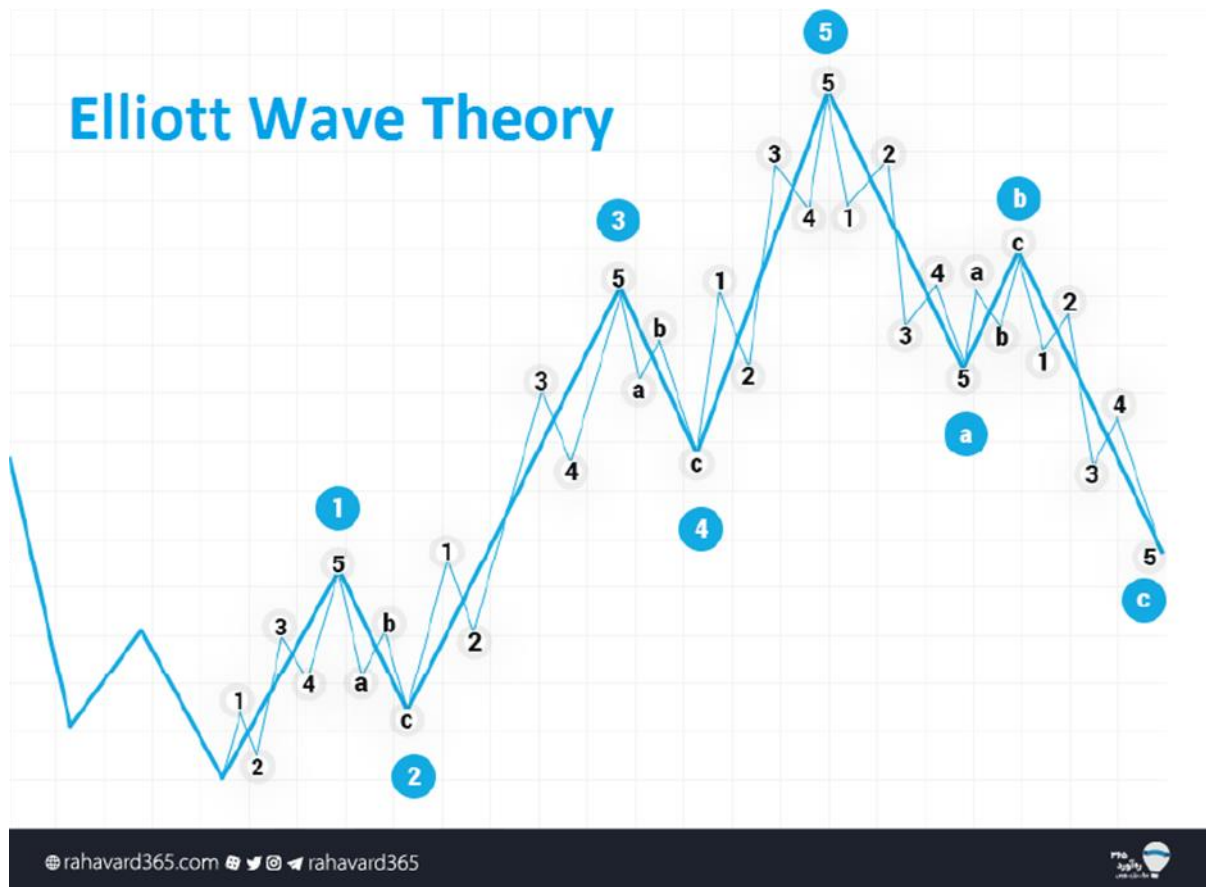
- فیبوناچی اصلاحی (Fibonacci Retracement)
- فیبوناچی گسترشی (Fibonacci Extention)
- فیبوناچی پروجکشن (Fibonacci Projection)
- فیبوناچی انبساطی (Fibonacci Expansion)
- فیبوناچی بادبزنی (Fibonacci Fan)
- فیبوناچی کانال (Fibonacci Channel)

امواج ایبوت در تحلیل تکنیکال

"امواج ایبوت" از ابزارهای کاربردی در تحلیل تکنیکال است که از آنها برای تشخیص الگوهای تکرارشونده‌ای که بر اساس احساسات بازار، شکل می‌گیرند؛ استفاده می‌کنند. در واقع در این روش، حرکات قیمت و احساسات معامله‌گران، در کنار هم بررسی می‌شود تا با شناسایی الگوهای تکرار شونده، رفتار بازار را تشخیص دهند. در این روش روند حرکت بازار بر اساس الگویی که از 5 موج اصلی تشکیل شده، توصیف می‌شود. این امواج به دو دسته زیر تقسیم می‌شوند:

- امواج جنبشی که پایه‌های تشکیل‌دهنده الگو محسوب شده و دارای پنج ریزموج است.
- امواج اصلاحی که در مسیر اصلاح روندهای جنبشی شکل گرفته و دارای سه ریزموج است

امواج ایبوت شامل سه موج جنبشی و دو موج اصلاحی می‌شود که موج اول، سوم و پنجم صعودی و موج‌های دوم و چهار نزولی هستند. در صورتی که معامله‌گران این امواج را به درستی تشخیص دهند، می‌توانند در موج‌های صعودی، به سوددهی قابل توجهی دست یابند.



ابره‌ای ایچیموکو در تحلیل تکنیکال

ابر ایچیموکو اندیکاتوری است که اساساً از میانگین متحرک برای محاسبات خود استفاده می‌کند. این اندیکاتور علاوه بر اینکه سطوح حمایت و مقاومت مهم را نشان می‌دهد؛ می‌تواند قدرت و جهت روند بازار را هم مشخص کند. [اندیکاتور ایچیموکو](#) علی‌رغم داشتن نمودار شلوغ، کاربرد آسانی دارد و یک ابزار قدرتمند و کاربردی برای آنالیز بازار محسوب می‌شود.



مدیریت ریسک و سرمایه در تحلیل تکنیکال

مدیریت پرتفوی یکی از مهم‌ترین مباحث در هر سرمایه‌گذاری است که به معامله‌گران کمک می‌کند تا بیشتری سودآوری را با کمترین ریسک، تجربه کنند. یک معامله‌گر قبل از هر چیز باید میزان سرمایه ورودی به بازار را مشخص کند. برای شروع بهتر است که با بخش کوچکی از سرمایه وارد شوید و رفته رفته سرمایه خود را افزایش دهید. پس از تعیین سرمایه، برنامه معاملاتی خود را مشخص کنید؛ یعنی بر اساس روحیات خود یکی از برنامه‌های سرمایه‌گذاری فعال یا منفعل را انتخاب کنید.

سرمایه‌گذاری فعال یعنی با خرید و فروش‌های مکرر، حداکثر سود را با حداقل ریسک تجربه کنید. سرمایه‌گذاری منفعل به دنبال کسب سود در بلندمدت است؛ یعنی شما با روش‌هایی مانند نگهداری سهام در بازار بورس یا استیکینگ، وام‌دهی و... در بازار ارزهای دیجیتال، به سود مدنظر خود برسید. آخرین مرحله تعیین یک استراتژی معاملاتی قوی است که به شما کمک می‌کند تا ریسک پرتفوی و سرمایه خود را مدیریت کنید. یکی از استراتژی‌های مناسب برای داشتن معاملات کم‌ریسک عبارت است از:

- همه سرمایه خود را در یک دارایی سرمایه‌گذاری نکنید. سعی کنید یک پرتفوی متنوع از انواع دارایی‌ها تشکیل دهید تا در صورت افت قیمت بخشی از دارایی‌های پرتفوی، با رشد قیمت بخش دیگر، زیان وارده جبران شود.

- توجه فرمایید که همیشه بخشی از معاملات بازار را زیان تشکیل می‌دهد. لذا سعی کنید در معاملات خود همواره نسبت سود به ضرر را محاسبه کنید. این نسبت باید در حالت ایده‌آل 3 به 1 یا حداقل 2 به 1 باشد.
- با وجود اینکه برای بسیاری از معامله‌گران خروج از بازار چندان خوشایند نیست، اما در بازارهای مالی باید آمادگی خروج از بازار را داشته باشید. به همین دلیل داشتن یک استراتژی خروج امری ضروری است.

جمع‌بندی

تحلیل تکنیکال یکی از روش‌های کاربردی در بازارهای مالی است که امروزه طرفداران زیادی دارد. در این روش می‌توان رفتار قیمت و رفتار کلی بازار را با بررسی داده‌های گذشته مانند قیمت، تغییرات آن، حجم معاملات و... پیش‌بینی کرد. یادگیری تحلیل تکنیکال می‌تواند فرصت‌های معاملاتی زیادی را پیش روی شما قرار می‌دهد که با بهره‌گیری از آنها می‌توانید سودهای قابل توجهی کسب کرده و سرمایه خود را افزایش دهید. در این مقاله سعی کردیم تحلیل تکنیکال مقدماتی و پیشرفته را به طور خلاصه آموزش دهیم. برای یادگیری بیشتر می‌توانید در دوره‌های آموزشی ره‌آورد که توسط اساتید مجرب برگزار می‌شود شرکت کنید.